



<https://coth.ui.ac.ir/?lang=en>

Journal of Comparative Theology

E-ISSN: 2322-3421

Document Type: Research Paper

Vol. 15, Issue 1, No.31, Spring & Summer 2024 pp.147-164

Receive: 03/02/2024

Accepted: 10/09/2024

A Comparative Study of the Reasons for the Persistence of Buddhism and the Decline of Zoroastrianism in Ancient China

Amin Yazdkhasti

M.A. Student, Department of History and Iranian Studies, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran
aminyazdekhashti1376@gmail.com

Hamidreza Pashazanous  *

Assistant Professor, Department of History and Iranian Studies, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran
h.pasha@ltr.ui.ac.ir

Abstract

The topic of religion in the history of relations between the two civilizations of Iran and China is an issue that has not been addressed much. According to Chinese sources and other documents, Buddhism and Zoroastrianism were introduced to China by Iranians. So far, some studies have been conducted on Buddhism and Zoroastrianism in China, but these works have only explained how these religions entered China, but the reasons for the persistence of Buddhism and the decline of Zoroastrianism from the middle of the 9th century onwards in China have not been considered. Therefore, the present study, relying on the library method and the comparative analysis of the historical data obtained from China, tries for the first time to address the reasons for the persistence of Buddhism and the decline of Zoroastrianism in ancient China. The claim of the authors is that Buddhism has survived until today due to its compatibility and assimilation with Chinese thought and society and not having a political approach, especially from the 9th century onwards; on the other hand, due to the heterogeneity of its teachings and religious rituals in China, the Zoroastrianism could not adapt to this land and the cultural characteristics of its people.

Keywords: China, Buddhism, Zoroastrianism, Permanence, Decline.

Introduction

During the Parthian and Sasanid periods, Iran influenced many Eastern cultures and was influenced by them

*Corresponding author

Yazdkhasti, A., & Pashazanoos, H. (2024). A comparative study of the reasons for the persistence of Buddhism and the decline of Zoroastrianism in ancient China. *Comparative Theology*, 15 (1), 147-164.

2322-3421© University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).



10.22108/coth.2024.140558.1883

in return. It is possible to understand this trend by examining the political, economic, and cultural relations between Iran and the Central Asian countries, along with China. One of the most important methods of exchanging cultural elements from Iran to China has been the transfer of various religions to this land. This process continued during the reign of Han (202 BC-220 AD) until the middle of Tang (618-907 AD). The arrival of Buddhism in China during the reign of the Han took place almost simultaneously with the rule of the Parthians (247 BC-224 AD) in Iran. During the Parthian period, Buddhism entered China through translators, aristocrats, and the Parthian elite class, and for the first time, a Parthian prince called An Shigao.

Zoroastrianism entered China in the 6th century AD and during the Sassanid period. Despite the fact that in some regions of China, especially in the North of China, the influence of Zoroastrianism can be seen, this religion, which was mostly transmitted through cultural interactions, was not successful in China for various reasons.

Materials and Methods

The present study was conducted using the library method and comparative analysis of historical data obtained from China.

Research Findings

Various factors and contexts caused Buddhism to open its place among the Chinese people in China, despite the various obstacles it faced in the history of its presence in this land, and alongside the indigenous religions of Confucianism and Tao, as a religion to be known as important, popular and respected in this land. Even today, Buddhism is considered one of the most important and popular religions in China and compared to Zoroastrianism, which disappeared in China centuries ago, it has gained much more popularity in the Chinese society.

The Zoroastrian religion could not gain much popularity among the Chinese people compared to the Buddhist religion. It seems that most of the followers of the Zoroastrian religion in China were non-Chinese. The main claim of this study is that Buddhism adopted a non-political approach, especially since 845 AD. Later, compared to Iranian religions and especially Zoroastrianism, it was not widely suppressed by the Tang government. Buddhism with its pacifist and conservative approach, institutionalized the principle of accepting the concept of suffering as a reality in the world and offered the Chinese people what they wanted and remained in this land.

Discussion of Results and Conclusions

Considering the results of the present study, the factors that caused the popularity and longevity of Buddhism in China can be summarized in four cases in order of importance: 1) Reign support, 2) Compatibility with local customs and traditions, 3) Mixing with Chinese religions, and 4) Effective propaganda and education.

The approach of Buddhism, especially in the school of Mahayana, caused these values to have positive spiritual and social effects on the Chinese people and they viewed this religion as a solution to end the long-term political and social violence in their land. The comparative study of these factors showed that all of these issues are true in a negative way about the failure and decline of Zoroastrianism in China.

الهیات تطبیقی

سال پانزدهم، شماره اول، شماره پیاپی (۳۱)، بهار و تابستان ۱۴۰۳

ص ۱۴۷-۱۶۴


تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۰

مقاله پژوهشی

بررسی مقایسه‌ای عوامل تداوم دین بودایی و زوال دین زرتشتی در چین باستان

امین یزدخواستی، دانشجوی کارشناسی ارشد گروه تاریخ و ایرانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

aminyazdekhashti1376@gmail.com

حمیدرضا پاشازانوس* ، استادیار گروه تاریخ و ایرانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

h.pasha@ltr.ui.ac.ir

چکیده

موضوع دین در تاریخ روابط دو تمدن بزرگ ایران و چین، تاکنون کمتر بررسی شده است. بنا بر شواهد تاریخی و منابع چینی، ایرانیان دین‌های بودایی و زرتشتی را به چین وارد کرده‌اند. پژوهش‌های پیشین در این حوزه عمدتاً به شرح نحوه ورود این ادیان به چین بسنده کرده‌اند و به بررسی عمیق علل تداوم دین بودایی و زوال دین زرتشتی از اواسط قرن نهم میلادی به بعد پرداخته‌اند. این پژوهش با اتکا به روش کتابخانه‌ای و مطالعه مقایسه‌ای داده‌های تاریخی استخراج‌شده از منابع چینی، برای نخستین بار به واکاوی علل تداوم دین بودایی و زوال دین زرتشتی در چین باستان می‌پردازد. فرضیه اصلی این پژوهش آن است که دین بودایی به دلیل انطباق و همگونی با تفکر و جامعه چینی و عدم رویکرد سیاسی، به‌ویژه از قرن نهم میلادی به بعد، تا به امروز در این سرزمین تداوم یافته است. درمقابل، دین زرتشتی به دلیل ناهمگونی آموزه‌ها و مناسک دینی با فرهنگ و شاخصه‌های فرهنگی مردم چین، نتوانست با این سرزمین سازگار شود و از بین رفت.

واژه‌های کلیدی

چین، بودایی، زرتشتی، تداوم، زوال

* مسئول مکاتبات

یزدخواستی، امین، پاشازانوس، حمیدرضا. (۱۴۰۳). بررسی مقایسه‌ای عوامل تداوم دین بودایی و زوال دین زرتشتی در چین باستان، *الهیات تطبیقی*، ۱۵ (۱)، ۱۴۷-۱۶۴.



2322-3421© University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).



10.22108/coth.2024.140558.1883

مقدمه

در میان ادیان ایرانی، دین زرتشتی از قرن ششم میلادی، در زمان ساسانیان، به طور جدی وارد چین شد (پاشازانوس، ۱۳۹۹، ص. ۷۹). ردپای این دین در برخی از مناطق چین، به خصوص در شمال این سرزمین، به چشم می خورد؛ با این حال، دین زرتشتی که بیشتر به واسطه برهم کنش های فرهنگی منتقل شده بود، به علل گوناگون در سرزمین چین نتوانست به محبوبیت و قدرت برسد. در مقابل، دین بودایی رونقی چشمگیر در چین باستان داشت. این دین در مقایسه با زرتشتی، محبوبیت بیشتری در میان مردم چین به دست آورد. به نظر می رسد بیشتر پیروان دین زرتشتی در سرزمین چین، غیر چینی بوده اند. هنوز پرسش های بی شماری درباره سرنوشت ادیان ایرانی در چین باستان بی پاسخ هلمده لند. یکی از پرسش های ضروری این است که تا سده نهم میلادی، چه عوامل و زمینه هایی در چین موجب تداوم حضور دین بودایی در چین و افول دین زرتشتی شد. مقاله حاضر سعی دارد تا به این پرسش بنیادین در حد امکان پاسخ دهد. مدعای اصلی این پژوهش آن است که دین بودایی به دلیل در پیش گرفتن رویکرد غیر سیاسی، به ویژه از سال ۸۴۵ میلادی به بعد، در مقایسه با ادیان ایرانی و به ویژه دین زرتشتی، مورد سرکوب گسترده حکومت تانگ قرار نگرفت. این دین با رویکرد صلح طلبانه و محافظه کار خود، اصل پذیرش مفهوم رنج به عنوان یک واقعیت در جهان را نهادینه کرد و به مردم چین آنچه که می خواستند، یعنی آرامش و تسکین در برابر سختی های زندگی، عرضه داشت و در این سرزمین ماندگار شد.

پیشینه پژوهش

جستجوی منابع علمی نشان می دهد در حال حاضر، هیچ پژوهشی به طور مستقل به بررسی مقایسه ای علل ماندگاری دین بودایی و افول دین زرتشتی در چین باستان نپرداخته است. این موضوع، چه در زبان چینی و چه در زبان های فارسی و لاتین، صادق است. با وجود فقدان

ایران در دوره های اشکانی و ساسانی بر بسیاری از فرهنگ های شرقی تأثیر گذاشت و در مقابل از آنها تأثیر پذیرفت. شناخت این روند با بررسی روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران و سرزمین های آسیای مرکزی و به دنبال آن چین امکان پذیر است. یکی از مهم ترین روش های مبادله عناصر فرهنگی از ایران به چین، انتقال ادیان گوناگون به این سرزمین بوده است؛ این فرایند در طی حکومت هان (Han) (۲۰۲ پ.م - ۲۲۰ م) تا میانه های حکومت تانگ (Tang) (۹۰۷ - ۶۱۸ م) ادامه یافته است. ورود دین بودایی به چین در زمان حکومت هان تقریباً هم زمان با حکومت اشکانیان (۲۴۷ پ.م - ۲۲۴ م) در ایران صورت پذیرفت. در این دوره در ایران به موجب اینکه بیشتر پادشاهان اشکانی رواداری دینی داشتند، دین بودایی توانست از هند و آسیای مرکزی به شرق ایران راه یابد و پیروانی را در قلمرو اشکانی به دست آورد. در زمان اشکانیان، مترجمان، اشراف و طبقه نخبه اشکانی، دین بودایی را به چین بردند و برای نخستین بار شاهزاده ای اشکانی موسوم به آنشی گائو (An Shigao)، نهضت ترجمه تأثیرگذار و مهمی در راستای ترجمه متون مقدس بودایی از زبان سنسکریت به زبان چینی را به راه انداخت (تجدد، ۱۳۶۹، ص. ۲۶۲). آنشی گائو به همراه دستیاران و جانشینانش از سده دوم میلادی به بعد، نقشی کلیدی در شناساندن دین بودایی به فرهنگ چینی داشتند. عوامل و زمینه های گوناگونی باعث شد تا دین بودایی در سرزمین چین با وجود موانع گوناگونی که در تاریخ حضورش در این سرزمین با آن روبه رو بود، جای خود را در میان مردم چین باز کند و در کنار آیین های بومی کنفوسیوس و تائو، به عنوان دینی مهم، محبوب و مورد احترام در این سرزمین شناخته شود. دین بودایی امروزه نیز یکی از ادیان مهم و پرطرفدار چین به شمار می رود و نسبت به دین زرتشتی که سده ها پیش در چین محو شده، محبوبیت بسیار بیشتری را در جامعه چین به دست آورده است.

آسیای مرکزی که به زبان‌های چینی و سانسکریت مسلط بودند، این کار مهم را انجام داده و مردم چین را با این دین آشنا کرده‌اند (تجدد، ۱۳۷۹، ص. ۳۶۸). با وجود اینکه این مقاله اطلاعات مفیدی را ارائه می‌کند، به دلیل اختصار، عمق کافی را ندارد. حمیدرضا پاشازانوس در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل نقش ایرانیان باستان در ترویج دین‌های آسیایی در چین» (پاشازانوس، ۱۳۹۹ب) تلاش می‌کند با تکیه بر منابع چینی و دیگر یافته‌های باستان‌شناسی، نقش اشراف‌زادگان و طبقه نخبه ایرانی در انتقال و ترویج دین‌های غیربومی چین مانند بودایی، زرتشتی، مانویت و مذهب مسیحیت نستوری و میزان تأثیرگذاری آنها بر فرهنگ چینی را روشن کند. اگرچه این مقاله به نحوه ورود و تأثیرگذاری دین‌های مذکور می‌پردازد، علل افول آنها و ماندگاری دین بودایی را به صورت مقایسه‌ای بررسی نکرده است. همین‌طور سپیده طاهری نیز در مقاله «نقش سغدیان در گسترش آیین بودا در جنوب چین» (طاهری، ۱۳۹۹) به بررسی نقش سغدیان در انتقال و ترویج آیین بودا در مناطق جنوبی چین پرداخته است که می‌توان از آن برای شناخت نقش محوری سغدیان در ترویج باورهای فرهنگی ایرانی در چین استفاده کرد.

نحوه ترویج دین‌های بودایی و زرتشتی در چین

گسترش دین بودایی در چین به سده‌های نخست میلادی باز می‌گردد. براساس روایت شفاهی چینی، امپراتور مینگ دی (Ming Ti) (حکمرانی ۵۷-۷۶ میلادی) از خاندان هان در خواب، خدای پرنده‌ای را دید که خواب‌گزاران آن را به تجسم بودا تعبیر کردند. در پی این روایا، امپراتور سفیرانی را به هند فرستاد که با سوتره‌ای در چهل و دو بخش در سال ۶۷-۶۸ میلادی به چین بازگشتند. این سوتره در معبدی خارج از پایتخت، در لوئیوانگ، نگهداری می‌شد (مینگ و همکاران، ۱۳۷۹، ص. ۲۱۲؛ لیشچاک، ۱۳۷۷، ص. ۲۶۰-۲۶۱). با وجود این روایت،

پژوهش‌های مقایسه‌ای در این حوزه، برخی آثار می‌توانند در این زمینه مفید باشند: مقاله «ایرانیان در چین: دین بودایی، زرتشتی» (Forte, 1999) اثر آنتونینو فورت (Antonino Forte) محقق ایتالیایی، ازجمله مهم‌ترین این آثار است. این مقاله به نخستین ایرانیان و بوداییان چین می‌پردازد؛ اما اطلاعات ارائه‌شده در آن کلی است. سایر آثار فورت نیز می‌توانند در این زمینه مفید باشند؛ به‌خصوص آثاری که به روابط فرهنگی و دینی ایران و چین در دوران باستان می‌پردازند. با توجه به فقدان پژوهش‌های جامع و مقایسه‌ای در این حوزه، انجام تحقیقات بیشتر درباره علل تداوم دین بودایی و افول دین زرتشتی در چین باستان ضروری است. این تحقیقات می‌تواند به درک عمیق‌تر روابط فرهنگی و دینی ایران و چین در دوران باستان کمک کند.

پونامپون در رساله کارشناسی ارشد خود با عنوان «آنشی گائو در سنت چینی: مأموریت، مراقبه و میراث»، به بررسی زندگی‌نامه، ابداعات مراقبه‌ای، تلاش‌های ترجمه متون بودایی و میراث آنشی گائو و دیگر مترجمان می‌پردازد (Ponampon, 2014). این اثر، نقش آنشی گائو در ترویج دین بودایی در چین را نیز ارزیابی می‌کند. با وجود پرداختن به جنبه‌های مختلف گسترش دین بودایی در چین، تمرکز اصلی این رساله بر شخصیت و زندگی‌نامه آنشی گائو است. هاندا (Handa) در مقاله خود با عنوان «مذاهب ایرانی در چین از خلال منابع چینی»، به معرفی مختصر سه دین زرتشتی، مانویت و مسیحیت و روند ورود و توسعه آنها در چین می‌پردازد. وی نقش بازرگانان سغدی در انتقال دین زرتشتی به چین را نیز برجسته می‌کند (هاندا، ۱۳۵۰، ص. ۳۱). با وجود مفیدبودن این مقاله، اطلاعات ارائه‌شده در آن بسیار مختصر و کلی است. نهال تجدد در مقاله خود با عنوان «نخستین مترجمان دین بودا در چین» (تجدد، ۱۳۷۹) به این موضوع می‌پردازد که برخلاف تصور رایج، نخستین مترجمان متون مقدس دین بودایی در چین، هندی و چینی نبوده‌اند؛ بلکه ایرانیان

دارد. یکی از نظرات رایج، نظریه چن یوان (Chen Yuan) است که در سال ۱۹۲۳ میلادی براساس اشاراتی از کتاب وی شو (Wei Shu) ارائه شد. طبق این نظریه، کلمه «زرتشتی» برای نخستین بار در جلد ۱۰۲ این کتاب در بخش مربوط به سرزمین سغد ظاهر شده است. در همین کتاب، نویسنده وی شو به طور مستقیم به دین زرتشتی در پارس (ساسانیان) نیز اشاره می‌کند؛ برای مثال، در وی شو آمده است مردم کشور پاسی ((波斯) Pasi) یا پارس، خدای آتش و آسمان را نیایش می‌کنند (Wei Shu, 1974, p. 2271)؛ اما فورت (Forte) معتقد است دین زرتشتی در اواخر سده چهارم میلادی به چین راه یافته است (Forte, 1999, pp. 284-286). در واقع، واژه «هسی-ان» یا «شیان» (Xiān, Hsien) در ترکیب شیان جیائو (Xiān jiào) را می‌توان به «قربانی برای آسمان» معنی کرد. این واژه در خط چینی کلاسیک با نویسه (graph) خاصی نوشته شده که به ندرت در موارد دیگر دیده شده و همین امر سبب شگفتی محققان شده است (Pulleyblank, 1962, p. 117). پولی‌بلنک معتقد است «شیان» فقط یک گونه نوشتاری تلفظ واژه چینی «تیان» (t'ien/tian) به معنی «آسمان» در گویشی کهن است. از آنجا که واژه بودایی - چینی تیان (T'ien = آسمان) یا تیان شین (t'ien-shen = خدای آسمان) مترادفی برای واژه سنسکریت دو (deva = خدا) بود، به احتمال بسیار شیان نیز آسمان و خدای آسمان معنا می‌داده است (Pulleyblank, 1991). کاربرد اصطلاح بودایی «دو» برای اشاره به خدای ایرانیان، تعمیمی طبیعی است. اصطلاح هو شیان (Huō Xiān) به معنی «خدای آتش» نیز این نکته را تأیید می‌کند (رضایی باغ‌بیدی، ۱۳۸۶، ص. ۷-۸).

نکته دیگر در رابطه با دین زرتشتی در چین، واژه سابائو (Sabao) و قدمت استفاده از آن در چین است؛ فهم کاربرد این واژه در متون چینی به درک بهتر حضور زرتشتیان در این سرزمین کمک می‌کند. در این بخش، این واژه و همچنین، نفوذ فرهنگی دین زرتشتی در چین،

محققان بر این باورند که دین بودایی به تدریج و از طریق آسیای مرکزی وارد چین شد. به باور آنها، شاهزاده اشکانی به نام آنشی گائو، دین بودایی را برای نخستین بار به صورت سازمان‌یافته به چین وارد کرد (Ponampon, 2014, pp. 27-28; Forte, 1995, p. 1). آنشی گائو در سال ۱۴۸ میلادی و در زمان امپراتور یوان دی (Emperor Huan) به شهر لوئیوانگ چین رسید. او به مدت ۲۲ سال به ترجمه متون بودایی از سنسکریت به چینی پرداخت و نخستین مکتب ترجمه و آموزش دین بودایی را در کشور چین تأسیس کرد (تجدد، ۱۳۶۹، ص. ۲۶۲). برخی منابع، ترجمه حدود ۲۰۰ متن بودایی به زبان چینی را به آنشی گائو نسبت می‌دهند؛ اما اریک زورکر معتقد است وی تنها ۱۶ متن را شخصاً ترجمه کرده است (Zurcher, 1991, pp. 277-279).

همکاران آنشی گائو در این کار، دو راهب بودایی به نام‌های آن سی‌وان (An Xuan) اشکانی و یان فوتیائو (Yan Fotiao) چینی تبار بودند. در متون تاریخی چین از این سه مترجم با عنوان «سه شخص غیرقابل تقلید» نام برده می‌شود (تجدد، ۱۳۷۹، ص. ۳۷۱-۳۷۲) که نشان از تأثیر مهم آنها در کار ترجمه متون بودایی دارد؛ در حالی که دین بودایی با اتکا به ترجمه متون مقدس و فعالیت‌های آموزشی راه خود را در چین باز می‌کرد، دین زرتشتی روشی متفاوت را در پیش گرفت. زرتشتیان بیشتر بر روابط شخصی و تبادل فرهنگی با نخبگان چینی تمرکز داشتند. آنها معابد خود را در مناطق مختلف چین بنا می‌کردند و به تجارت و بازرگانی می‌پرداختند. با وجود تلاش‌های زرتشتیان، این دین در مقایسه با دین بودایی در چین محبوبیت چندانی به دست نیاورد.

زمان دقیق ورود دین زرتشتی به چین موضوعی بحث‌برانگیز در میان پژوهشگران است؛ در حالی که شواهدی از تأثیرگذاری فرهنگ ایرانی بر چین باستان یا دین هندوایرانی که با زرتشتی در برخی جهات همخوانی دارد، دیده می‌شود، نظرات مختلفی در این زمینه وجود

(Empress Ling) به چین راه یافته و ملکه لینگ، به احتمال زیاد، از نخستین پیروان دین زرتشتی در چین بوده است (Zhang, 1977, p. 144). لزللی (Leslie) نیز معتقد است دین زرتشتی در میان سال‌های ۵۱۶-۵۱۹ میلادی، همراه با ورود سفیران ساسانی به دربار سلسله وی شمالی به چین وارد شده است (Leslie, 1981, p. 288). این نظریه بر نقش بازرگانان سغدی در انتقال دین زرتشتی به چین تأکید دارد. سغدی‌ها در آن زمان در جاده ابریشم فعال بودند و می‌توانستند به‌عنوان واسطه بین ایران و چین عمل کنند.

نظر دیگری نیز موجود است که نشان می‌دهد دین زرتشتی در میان سده‌های چهارم تا ششم میلادی در برخی از شهرهای حوضه تاریم مانند ینگ_چو (Yang-chou) و کاو_چنگ (Kao-ch'ang) رواج داشته و نفوذ این دین به دربار چین نیز رسیده بوده است (Wei Shou, 1974, pp. 2243, 2265, 2271). این نظریه بر این باور است که دین زرتشتی به‌طور جدی از اوایل سده ششم میلادی به بعد، در چارچوب روابط دیپلماتیک ساسانیان با چین به این سرزمین راه یافته است. در این دوره، روابط سیاسی و فرهنگی بین ایران و چین گسترش یافته بود و تبادل سفرا و هدایا بین دو کشور رایج بود. می‌توان این احتمال را در نظر گرفت که ساسانیان از این فرصت برای ترویج دین خود در چین استفاده کرده باشند. به نظر می‌رسد هر دو این نظریه‌ها تا حدی صحت داشته باشند. احتمالاً دین زرتشتی در ابتدا از طریق بازرگانان سغدی به چین راه یافته و سپس در دوره ساسانیان، با گسترش روابط سیاسی و فرهنگی بین ایران و چین، به‌طور رسمی به این سرزمین معرفی شده است.

علل ماندگاری دین بودایی و افول دین زرتشتی در چین
 ورود دین بودایی به چین در سده‌های نخست میلادی، نقطه عطفی در تاریخ فرهنگی این سرزمین محسوب می‌شود. در این بخش، به بررسی زمینه‌های اجتماعی و

به‌خصوص در زمینه تدفین مردگان بررسی می‌شود. واژه سابائو برای نخستین بار در متون مربوط به سلسله چن شمالی (۵۷۷-۵۵۰ میلادی) در چین دیده می‌شود. در این دوره، لقب سابائو به پدر ژائی توسو (Zhai Tusuo) و همچنین به شخصی به نام آن نانتو (An Nantuo) در زمان سلسله وی شمالی (۳۸۶-۵۳۵ میلادی) داده شده بود (Forte, 1999, p. 284). یوتاکا یوشی‌دا (Yutaka Yoshida) متخصص زبان سغدی، معتقد است واژه سابائو در زبان سغدی برای رهبران کاروان‌ها به کار می‌رفته است (Stausberg, 2015, p. 147). این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده نقش بازرگانان سغدی در انتقال دین زرتشتی به چین باشد. یکی از بارزترین تأثیرات دین زرتشتی در چین، رواج روش تدفین سغدی بود. بازرگانان سغدی احتمالاً این روش را به نواحی شمالی چین منتقل کرده‌اند. بیشتر مقبره‌های کشف‌شده در شمال چین که ویژگی‌های زرتشتی دارند، متعلق به سده ششم میلادی هستند که نشان‌دهنده اوج نفوذ دین زرتشتی در این دوره است. ویژگی اصلی این مقبره‌ها قرارگیری آنها در زیر زمین مطابق با آداب تدفین زرتشتی بود تا خاک پاک (از دیدگاه زرتشتی) آلوده نشود. علاوه بر این، بسیاری از این مقبره‌ها دارای عناصر هنری و آیینی زرتشتی مانند نقش آتش و نقش ایزدان ایرانی از جمله مهر هستند (Watt et al., 2004, pp. 276-283). به هر روی، کاربرد واژه سابائو و رواج روش تدفین سغدی در چین، شواهدی قوی بر حضور و نفوذ دین زرتشتی در این سرزمین، به‌خصوص در سده‌های نخستین میلادی ارائه می‌کنند.

از برخی منابع تاریخی چین، از جمله تاریخ وی شو (Wei Shu) چنین استنباط می‌شود که دین زرتشتی در زمان سلسله وی (Wei) (۳۸۶-۵۵۴م) در شمال و سلسله لیانگ (Liang) (۵۰۲-۵۵۶م) در جنوب سرزمین چین به این کشور راه یافته است. طبق تاریخ وی شو، دین زرتشتی در زمان امپراتور سو زونگ (Suzong) (حکمرانی ۵۱۵-۵۲۸ میلادی) از سلسله وی و مادرش ملکه لینگ

سده‌ها جنگ و خونریزی پایان دهند و با پی‌ریزی اندیشه‌های خود، در رسیدن جامعه چین به آرامش بکوشند (وردی نژاد و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۴۷-۵۱؛ مینگ و همکاران، ۱۳۷۹، ص. ۱۴۲). بودیسم با ارائه یک رویکرد جامع و متعادل، توانست در کنار کنفوسیوس و تائو به‌عنوان یکی از سه راه رسیدن به حقیقت در چین جایگاه خود را پیدا کند.

دین بودایی در ابتدای ورود خود به چین به‌شدت با آیین تائو درآمیخت؛ برای نمونه، نویسندگان بودایی، اصطلاحات تائویی را برای بیان اندیشه‌های بودایی در چین به کار گرفتند؛ «روشن‌شدن ناگهانی» را که به بوداشدن می‌انجامد، «دیدار تائو» می‌دانستند (چای و چای، ۱۳۶۹، ص. ۲۷۶). دین بودایی سازگاری درخور توجهی با آیین تائو داشت و همین مسئله موجب می‌شد تا چینی‌ها با مراجعه به آموزه‌های تائویی که بومی سرزمین چین بود، به‌تدریج با فرهنگ بودایی نیز آشنا شوند؛ به نحوی که بسیاری از آموزه‌ها مانند مفهوم «ترس مرگ» در هر دو دین به یک شکل تفسیر می‌شد و پذیرفتن و کنترل آن یک پدیده طبیعی بود (Tian, 2017, pp. 704-706). افزون بر این در سال ۱۶۶م. امپراتور هوان (Huan) از امپراتوری هان شرقی، مراسم قربانی مشترکی برای لائوتسه و بودا برگزار کرد (مینگ و همکاران، ۱۳۷۹، ص. ۱۳۹-۱۴۱). این مسئله نشان از هم‌زیستی و نزدیکی دین بودایی با آیین تائو، دست‌کم در سده‌های نخست میلادی دارد؛ بنابراین، بسیاری از آموزه‌های بودایی که به‌عنوان یک دین بیگانه و خارجی وارد چین شده بود، در چهارچوب آیین تائو قرار گرفت و برای درک مردم آسان شد.

راهبان و پیروان بودایی با محترم‌دانستن خدایان و دین‌های بومی چین به مردم این سرزمین ارج نهادند و با آنها به نیکی رفتار کردند؛ این مسئله موجب گرایش برخی از فرمانروایان سرزمین چین به دین بودایی نیز شد (جرالد و پاتریک، ۱۳۸۴، ص. ۳۱۷). این امر نمی‌توانست از سوی دین زرتشتی که از ایران ساسانی به چین رفته بود، در این

فکری که به پذیرش این دین در چین کمک کرد، پرداخته می‌شود. یکی از عوامل مهم در پذیرش دین بودایی در چین، وجود اختلافات میان دیدگاه‌های پیروان کنفوسیوس و تائو بود (قرایی، ۱۳۸۸، ص. ۱۶۶-۱۶۷). پیروان کنفوسیوس بر نظم اجتماعی، اخلاق و آداب و رسوم تأکید داشتند؛ در حالی که تائوئیسم بر فردگرایی، عرفان و زندگی در هماهنگی با طبیعت تمرکز داشت. این اختلافات منجر به فضایی از تردید و جستجوی معنوی در میان مردم چین شده بود. دین بودایی با ارائه آموزه‌هایی که در میانه این دو دیدگاه قرار داشت، توانست توجه بسیاری از مردم چین را به خود جلب کند. بودیسم بر رستگاری فردی از طریق تزکیه نفس و عمل به آموزه‌های اخلاقی تأکید داشت؛ اما در عین حال، نظم اجتماعی و احترام به سنت را نیز به رسمیت می‌شناخت. این نگاه میانه، بودیسم را به‌عنوان راه حلی برای حل اختلافات میان کنفوسیوس و تائو معرفی می‌کرد. دین بودایی مفاهیمی جدید مانند نیروانه (رهایی از رنج) و اختیار انسان در تعیین سرنوشت خود را به فرهنگ چین معرفی کرد. این مفاهیم در تضاد با جبرگرایی و دنیانگری صرف مکتب‌های فلسفی بومی چین بود. بودیسم به مردم چین امید می‌داد که با تلاش خود به رستگاری و خوشبختی دست یابند (یامانکا، ۱۳۷۱، ص. ۱۱۳).

نگاه به آیین‌های کنفوسیوس (نک. Thome, 1980) و تائو (نک. وردی نژاد و همکاران، ۱۳۹۰) در چین، پیش از ورود دین بودایی نشان می‌دهد آنها در ارائه راه حل برای مشکلات جامعه، ناکافی بودند. کنفوسیوس بر نظم اجتماعی تمرکز داشت؛ اما به مسائل معنوی و رستگاری فردی توجه کافی نمی‌کرد. تائوئیسم نیز بر فردگرایی و عرفان تأکید داشت؛ اما در ارائه راه‌حل‌های عملی برای مشکلات جامعه ناتوان بود. نگاه به دوره «بهار و پاییز» (۴۸۱-۷۲۲ پ.م)، دوره «جنگ میان لیللت‌ها» و پیدایش به اصطلاح «صد مکتب فلسفی» (۴۰۳-۲۲۱ پ.م) نشان می‌دهد چگونه لندیش‌مندان چین در پی آن بودند که به

مکاتب بودایی از جمله هینه یانه^۲ (Hinayana)، محافظه‌کاری بنیادگرایانه‌ای را در پیش نگرفت. پیروان مهایلنه تلاش کردند تا با مفاهیم درخواست نجات برای جهانیان، رواداری دینی و شفقت، افراد زیادی را به سوی خود جذب کنند و دستیابی به رستگاری را به‌عنوان یک مفهوم همه‌گیر معرفی کنند؛ بنابراین، به‌راحتی توانستند با فرهنگ‌های دیگر هم‌زیستی داشته باشند (وانگو، ۱۳۹۶، ص. ۶۷-۷۰). از دیگر ویژگی‌های مهم مکتب مهایلنه این بود که به موجب اینکه راهبان بودایی از پرداخت مالیات معاف بودند، گروه‌های بسیاری از مردم فرودست و کشاورز که توانایی پرداخت مالیات‌های حکومتی را نداشتند، به این مکتب می‌گرویدند (هاکینز، ۱۳۸۰، ص. ۸۰-۷۹). این مسئله موجب جذابیت مکتب مهایلنه در میان طبقات ضعیف جامعه چین شد.

در دوره تانگ (۶۱۸-۹۰۷ میلادی)، حاکمان به ساخت و حمایت از معابد، صومعه‌ها و بنیادهای مورد نیاز پیروان بودایی پرداختند. جشن‌های آیینی بودایی با شکوه و جلال برگزار می‌شد که جذابیت زیادی برای مردم داشت. بسیاری از بزرگان چینی در این دوره به دین بودایی گرویدند که مشهورترین آنها ملکه وو زتیان (Wu (武則天)) Zetian همسر امپراتور گائوزونگ (Gaozong (高宗)) (حکمرانی ۶۴۹-۶۸۳م) از سلسله تانگ بود. وی با حمایت راهبان بودایی و نفوذی که در حکومت داشت، به قدرت رسید و از دین بودایی حمایت می‌کرد (بوش، ۱۳۹۴، ص. ۴۱۲ و ۴۱۴). در دوره تانگ، نظارت دولت بر معابد بودایی و رتبه‌بندی قانونی راهبان توسعه یافت (شجاعی، ۱۳۸۴، ص. ۱۷۴) و ساخت صومعه‌ها به‌طور گسترده انجام می‌گرفت (مینگ و همکاران، ۱۳۷۹، ص. ۲۱۴). این حمایت‌ها نشان‌دهنده توجه ویژه حکومت تانگ به دین بودایی و فعالیت گسترده راهبان بودایی در این دوره است؛ در حالی که دین بودایی

سرزمین رخ دهد؛ زیرا نگاه به رویکرد غیر تکثرگرایانه دینی موبدان زرتشتی مانند کرتیر، در بیشتر دوره حکمرانی ساسانیان بر ایران نشان می‌دهد از نسخه ساسانی دین زرتشتی موجود در چین، نمی‌توان انتظار فراگیر بودن و رویکرد باز داشت. چنانکه «در سه کتیبه طویل که روی صخره‌ها و ابنیه فارس حک شده، کرتیر افتخار می‌کند مسیحیان، مانویان و برهمنان را مورد اذیت و آزار قرار داده است» (گیرشمن، ۱۳۹۷، ص. ۳۲۱).

در سده سوم میلادی، برخی از خاندان‌های اشرافی از دین بودایی حمایت کردند که در رشد این دین نقش داشت. هنگامی که حکومت هان غربی از میان رفت، بسیاری از بزرگان چینی و راهبان بودایی از شمال به جنوب آمدند و در شکل‌گیری حکومت هان شرقی نقش ایفا کردند؛ این مسئله موجب شد تا شکلی از دین بودایی به وجود آید که محبوب گروه‌های نخبه جامعه بود و با عنوان «بودیسم اشرافی» شناخته شد (مینگ و همکاران، ۱۳۷۹، ص. ۲۱۳؛ هاکینز، ۱۳۸۰، ص. ۷۹). در نواحی شمال چین که مورد هجوم پی در پی قبایل نامتمدن بود نیز فرمانروایان این قبایل، دین بودایی را مناسب خود و قبیله خود یافتند و از آن حمایت کردند؛ این مسئله موجب شد تا دین بودایی در سده‌های چهارم و پنجم میلادی، در شمال سرزمین چین نیز گسترش یابد (جرالد و پاتریک، ۱۳۸۴، ص. ۲۱۴). اقوام غیرچینی شمالی، به این دلیل دین بودایی را برگزیدند که این دین همانند خود آنها پدیده‌ای غیربومی بود (بوش، ۱۳۹۴، ص. ۳۹۴). این مسئله نشان می‌دهد دین بودایی، از طرف حکومت‌های بومی چین و نیز اقوام مهاجم غیرچینی حمایت می‌شد.

ازسویی، مکتب بودایی مهاییانه^۱ (Mahayana) مورد پسند قرار گرفت تا برای زندگی روزمره مردم عادی استفاده شود. مکتب مهاییانه از این نظر در چین اهمیت ویژه‌ای یافت که بسیار انعطاف‌پذیر بود و برخلاف دیگر

۲. گردونه کوچک.

۱. گردونه بزرگ.

باشند. این امر باعث شد بسیاری از رهبران بودایی با رفتار ایثارگرانه خود، در فرهنگ چین پذیرفته شوند و مورد احترام جامعه قرار گیرند. برخی از بودی‌ستوها در چین از محبوبیت بیشتری برخوردار بودند (شایگان، ۱۳۵۷، ص. ۱۷۹-۱/۱۸۰)؛ از جمله:

- آمیتابه بودا (Amitabha): بودای روشنی بی‌پایان که بهشت غربی را اداره می‌کند.

- شاکيامونی بودا (Shakyamuni Buddha): بودای تاریخی که در هند متولد شد و آموزه‌های بودایی را بنیان نهاد.

- میتره بودا (Maitreya Bodhisattva): بودای آینده که انتظار می‌رود روزی به زمین بیاید و جهان را نجات دهد.

مراسم‌های آیینی که در رابطه با این بودی‌ستوها برگزار می‌شد، براساس متون بودایی (سوتراها) بود که ویژگی‌ها و قدرت‌های آنها را شرح می‌داد. با وجود رونق و گسترش دین بودایی در دوره تانگ، این دین در سال ۸۴۵ میلادی با به قدرت رسیدن امپراتور وو زُنْگ (唐武宗 (Wuzong)) (حکمرانی ۸۴۱-۸۴۶م) که یک تائوباو افراطی بود، سرکوب شد. امپراتور وو زُنْگ معتقد بود بودیسم به خزانه دولت آسیب می‌رساند و باعث تضعیف قدرت امپراتوری می‌شود. به دستور او، معابد و زیارتگاه‌های بودایی ویران شد و بسیاری از رهبران بودایی کشته شدند. این سرکوب تا حد زیادی به قدرت و نفوذ دین بودایی در چین لطمه زد؛ اما این دین به‌طور کامل از بین نرفت و در دوره‌های بعدی دوباره رونق گرفت (مینگ و همکاران، ۱۳۷۹، ص. ۲۱۴-۲۱۵).

این سرکوب تا حد زیادی به قدرت و نفوذ دین بودایی در چین لطمه زد؛ اما این دین به‌طور کامل از بین نرفت و در دوره‌های بعدی دوباره رونق گرفت. دلایل مختلفی برای سرکوب بودایسم در دوره تانگ وجود

در دوره تانگ به اوج شکوفایی خود در چین رسید، دین زرتشتی از چنین حمایتی برخوردار نبود. حکومت تانگ به دین زرتشتی و پیروانش توجه چندانی نشان نمی‌داد و این دین در مقایسه با بودایسم، نفوذ و محبوبیت زیادی در چین به دست نیاورد. دلایل مختلفی برای حمایت گسترده سلسله تانگ از دین بودایی وجود داشت. برخی از این دلایل عبارت‌اند از:

- جستجوی مشروعیت: حاکمان تانگ به دنبال مشروعیت‌بخشیدن به حکومت خود بودند و دین بودایی با آموزه‌های اخلاقی و تأکید بر نظم اجتماعی، می‌توانست در این زمینه به آنها کمک کند.

- جذب مردم: دین بودایی با جذابیت‌های ظاهری و وعده رستگاری، می‌توانست مردم را به خود جلب کند و پایه‌های قدرت حاکمان را تقویت کند.

- تبادل فرهنگی: دین بودایی از طریق جاده ابریشم به چین راه یافته و تبادل فرهنگی با هند و سایر کشورهای آسیایی را به ارمغان آورده بود.

حمایت از دین بودایی می‌توانست به گسترش این تبادل فرهنگی و تقویت روابط امپراتوری تانگ با سایر کشورها کمک کند.

در دوره تانگ، یکی از عواملی که به پذیرش و گسترش دین بودایی در چین کمک کرد، وجود نقاط مشترک میان این دین و نظام خدایی چینی بود. در واقع، مفهوم بودی‌ستوه (Bodhisattva) یا شخصیت بوداسف^۱ در مکتب مهابانه بودایی از اهمیت بالایی برخوردار است. بودی‌ستوها انسان‌هایی هستند که به مرحله روشنگری و رستگاری (نیروانه) دست یافته‌اند؛ اما از آن چشم‌پوشی می‌کنند تا به یاری دیگر انسان‌ها برای رهایی از رنج بشتابند (وانگو، ۱۳۹۶، ص. ۶۲؛ شومان، ۱۳۶۲، ص. ۲۲۵). در فرهنگ دینی چین نیز، تنها افرادی سزاوار احترام‌اند که به مرتبه‌ای از قداست و پاکی دست یافته

۱. موجود روشنی‌یافته.

داشت. برخی از این دلایل عبارت‌اند از:

- معتقدات امپراتور وُو زُنْگ: امپراتور وُو زُنْگ معتقد بود بوداییسم به خزانه دولت آسیب می‌رساند و باعث تضعیف قدرت امپراتوری می‌شود.
- نفوذ سیاسی بوداییان: برخی از رهبران بودایی در امور سیاسی دخالت می‌کردند و این امر باعث نارضایتی امپراتور وُو زُنْگ شده بود.
- رقابت با تائوئیسم: تائوئیسم دین سنتی چین بود و امپراتور وُو زُنْگ به دنبال تقویت این دین بود و بوداییسم را رقیب خود می‌دانست.

در حالی که بودیسم در دوره امپراتور وُو زُنْگ سرکوب شد، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد این سرکوب بیشتر متوجه نسخه ایرانی دین بودایی بوده است. اگرچه از سده دوم تا نهم میلادی، نخبگان ایرانی نقش مهمی در ترویج و گسترش دین بودایی در چین داشتند (پاشازانوس، ۱۳۹۹ب، ص. ۷۶)؛ با این حال، در سال ۷۵۶ میلادی، سرداری به نام آن لوشان^۱ (An Lushan) که نیاکانش از آسیای مرکزی به چین رفته بودند، بر ضد امپراتوری تانگ شورید و زمینه حذف دین‌های بودایی و زرتشتی را فراهم ساخت. این شورش که به نام خود آن لوشان شناخته می‌شود، یکی از خونبارترین شورش‌های تاریخ چین بود و موجب شد امپراتور تانگ به همه غیرچینیان بدبین شد. این بدبینی شامل بوداییان ایرانی نیز می‌شد؛ برای مثال، وزیر جنگ ارتش تانگ که نامش آن چونگ جانگ (An Chongzhang) بود، مجبور شد نام خود را به لی بائیو (Li Baoyu) تغییر دهد تا هویت ایرانی خود را پنهان کند (تجدد، ۱۳۷۹، ص. ۳۷۲). سرکوب بودیسم در دوره تانگ ضربه سختی به این دین در چین زد.

این سرکوب تا حد زیادی به قدرت و نفوذ دین

بودایی در چین لطمه زد؛ اما این دین به‌طور کامل از بین نرفت و در دوره‌های بعدی دوباره رونق گرفت. پس از سرکوب‌های دوره تانگ، نسخه‌ای از دین بودایی که در چین باقی ماند، کوشش کرد تا از سده نهم میلادی به بعد به منشأ هندی خود بازگردد و تأثیرات سیاسی ایرانی خود را کنار بگذارد. این امر به چند دلیل رخ داد:

- سرکوب آموزه‌های ایرانی: امپراتور وُو زُنْگ در سرکوب خود، آموزه‌های بودایی تحت تأثیر اندیشه ایرانی را هدف قرار می‌داد.
- گرایش به انزوا: سرکوب‌ها باعث شد پیروان بودایی از دخالت در امور سیاسی و قدرت دوری کنند و به جنبه‌های معنوی و درون‌گرایانه دین خود بیشتر توجه کنند.

- تمرکز بر آموزه‌های بودایی: بازگشت به ریشه‌های هندی، تمرکز بر آموزه‌های اصلی بودایی مانند چهار حقیقت والا و راه هشتگانه بودا بود (بهار، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۷؛ الیاده، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۴-۱۳۷).

با تمرکز بر آموزه‌های اصلی بودایی و دوری از دخالت در امور سیاسی، دین بودایی در چین پس از سرکوب‌های سده نهم میلادی توانست به حیات خود ادامه دهد. این رویکرد محافظه‌کارانه، به بوداییان کمک کرد تا از گزند حکومت در امان بمانند و به تدریج نفوذ خود را در جامعه چین بازیابند.

در حالی که دین بودایی از پایان سده نهم میلادی به اوج شکوفایی خود در چین رسید، دین زرتشتی در این سرزمین از نفوذ و گسترش چندانی برخوردار نشد. آنتونینو فورت، محقق ایتالیایی، در پژوهش‌های خود بر این نکته تأکید می‌کند که منابع چینی به‌طور مبهم به حضور دین زرتشتی در چین اشاره می‌کنند. نبود منابع مشخص، آداب و رسوم غیرزرتشتی برخی از زرتشتیان

^۱ (Anxi) می‌آمد و اشخاص اشکانی تبار با پیشوند «آن» معرفی می‌شدند. بودایی‌های ایرانی در چین نیز پیشوند آن را در ابتدای نامشان می‌آوردند (پاشازانوس، ۱۳۹۹الف، ص. ۳، ۵؛ کنتک، ۱۳۸۱، ص. ۲۵۸).

^۱ نام آن لوشان و پیشوند آن (An) نشان می‌دهد او تبار ایرانی داشته و چینی نبوده است؛ زیرا نام ایران اشکانی در متون چینی دوره هان به بعد مانند هان‌شو (Hanshu) و هو‌هان‌شو (Houhanshu)، به‌صورت آشنی

بدترین سنت‌ها بین بربرهاست» (Linghu Defen,)
 (1971, V. 50/920; Du, 2016, p. 5256).^۳ در ادامه در
 کتاب بی‌شی (Beishi) (北史) می‌خوانیم:
 در بیشتر موارد، بسیاری از آنها خواهران (بزرگ و
 کوچک) خود را به عنوان همسر یا معشوقه بر می‌گزینند.
 شکل‌های گوناگونی از ازدواج را برپا می‌دارند. در انتخاب
 زنان خود به مقام اجتماعی طرف مقابل اهمیت نمی‌دهند. این
 رسم در میان ملت‌های غربی از چیزهای دیگر ناپسندتر است
 (Li Yanshou, 1974, p. 3223).^۴ قطعه فوق در وی‌شو
 (Weishu) (魏書) و البته سوئی‌شو (Suí Shū) (隋書) نیز
 آمده است (Wei Zheng, 1973, V. 83/1856).

یکی از این شواهد، کتیبه‌ای دو زبانه چینی و پهلوی
 است که روی یک آستودان در چین کشف شده است. در
 این کتیبه، نام شخصی به نام ماشی (Ma Shi) ذکر شده
 است. ماشی از خاندان اشرافی سورن، یکی از هفت
 خاندان بزرگ و اشرافی اشکانی، بوده و در سال ۸۷۴
 میلادی در ۲۶ سالگی درگذشته است (Harmatta,)
 (1971a, p. 125). در کتیبه چینی، ماشی همسر و در کتیبه
 پهلوی، دختر شخصی به نام سولیانگ (Su Liang)
 خوانده شده است.^۵ این امر می‌تواند نشان‌دهنده مخفی
 نگه داشتن ازدواج ماشی و سولیانگ در زبان چینی باشد؛
 زیرا در دوره تانگ قانونی به نام «ده عمل شنیع» وجود
 داشت که دهمین عمل زشت و مذموم آن، زنا با محارم
 بود (Xiong, 2006, p. 136). انجام علنی این رسم
 می‌توانست طبعات سختی برای زرتشتیان در چین داشته
 باشد و به همین دلیل از دید حکومت دور نگاه داشته
 می‌شده است.

همان‌طور که اشاره شد امپراتوران تانگ در ابتدا نسبت

چین و همچنین محتاطانه عمل کردن زرتشتیان در تبلیغ
 دین خود، از جمله دلایل این ابهام بود؛ در حالی که نام
 دین بودایی، مسیحیت و مانویت در متون چینی به روشنی
 ذکر شده است؛ اما درباره زرتشتیان چین چنین نیست. با
 هجوم اعراب به ایران ساسانی در قرن هفتم میلادی، برخی
 از اعضای این خاندان به چین پناهنده شدند. می‌توان
 تصور کرد این افراد، دین زرتشتی خود را در چین حفظ
 کرده باشند؛ اما هیچ منبع چینی به‌طور قطعی این موضوع
 را تأیید نمی‌کند؛ حتی برخی از اعضای خاندان ساسانی که
 در چین زندگی می‌کردند، آداب و رسوم زرتشتی را به‌طور
 کامل رعایت نمی‌کردند؛ برای مثال، آلوهان^۱ (Aluohan)،
 یکی از اعضای این خاندان، پس از مرگ به شیوه‌ای
 غیرزرتشتی دفن شد (Forte, 1999, p. 283).
 پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد همسر پیروز، یکی از
 شاهزادگان ساسانی که به چین پناهنده شده بود، به احتمال
 زیاد مسیحی بوده است (پاشازانوس، ۱۳۹۹، ص. ۸۳).
 پیروز نیز در سال ۶۷۷ میلادی برای همسرش یک کلیسای
 مسیحی در چین بنا کرد (Forte, 1999, p. 282). به نظر
 می‌رسد بیشتر پیروان زرتشتی در چین، ریشه سغدی
 داشتند. این افراد به دلیل آگاهی از تفاوت‌های فرهنگی و
 دینی خود با چینی‌ها، در تبلیغ باورهای زرتشتی بسیار
 محتاطانه عمل می‌کردند.

به نظر می‌رسد برخی از رسوم زرتشتی در نزد چینیان
 ملنند ازدواج با محارم یا خویدوده (اوستایی):
 x^vaētuadaθa و همچنین گذاشتن جسد در دخمه
 کاری زشت و ناپسند بوده است. در تونگ‌دین
 (Tongdian)^۲ آمده: «علاوه بر این، در ازدواج، آنها هیچ
 تفاوتی بین طبقه نجیب و پست قائل نیستند، این رسم آنها

^۱ بهرام

^۲ تونگ‌دین (به معنای «جامع رسوم») دانشنامه‌ای جامع از موضوعات
 گوناگون است که از قدیم‌ترین دوران تا عصر تانگ را شامل می‌شود. تمرکز
 اثر بر دوره تانگ است و یک چهارم کتاب به این سلسله پرداخته است. دویو
 (Du You) (杜佑) این کتاب را از سال ۷۶۶ تا ۸۰۱ میلادی نوشته است.

^۳ 婚合亦不擇尊卑，諸夷之中最爲醜穢.

^۴ 多以姊妹爲妻妾，自餘婚合，亦不擇尊卑，諸夷之中
 最爲醜穢矣.

^۵ سولیانگ یکی از بازماندگان ساسانی بود که از زمان ورود پیروز ساسانی
 به چین در آنجا حضور داشت و مانند برخی از شاهزادگان ساسانی دیگر به
 لقب سلطنتی دست یافته بود (Harmatta, 1971b, pp. 375-376).

گسترده دین خود در چین وجود داشت. از یک سو، برخی از اعتقادات زرتشتی مانند ازدواج با محارم و شیوه دفن مردگان با رسوم چینی در تناقض بود و از سوی دیگر، زرتشتیان به‌عنوان یک اقلیت دینی در چین، از پیامدهای سیاسی تبلیغ دین خود آگاه بودند. امپراتوری تانگ به‌طور کلی از ادیان غیربومی حمایت نمی‌کرد و زرتشتیان نیز از این قاعده مستثنی نبودند. بیگانه‌هراسی امپراتوری تانگ، به‌ویژه پس از شورش آن لوشان، یکی از عوامل مهم در عدم گسترش دین زرتشتی در چین بود. این امر موجب سرکوب شدید افراد، افکار و ادیان ایرانی می‌شد؛ به‌خصوص اگر این ادیان دارای رویکرد سیاسی مرتبط با قدرت حاکمیت بودند. در واقع، دین زرتشتی در خاستگاه خود، پیوندی عمیق با ساختار سیاسی داشت؛ اما در چین، این دین با ساختار سیاسی امپراتوری تلنگ سازگار نبود و به همین دلیل نتوانست در این سرزمین ماندگار شود.

نتیجه

به‌طور کلی، تداوم دین بودایی در چین به عوامل متعددی نسبت داده می‌شود:

- **حکایت حاکمیت:** در دوره‌های گوناگون تاریخ چین، پادشاهان سلسله‌های مختلف چینی و غیرچینی، به‌خصوص از قرن دوم تا نهم میلادی، کمابیش به دین بودایی ارج نهادند و به نهادینه‌سازی و قدرتمندشدن این دین در سرزمین چین کمک کردند. حمایت‌های حکومتی از طریق اعطای کمک‌های مالی، احداث معابد و صومعه‌ها و حمایت از فعالیت‌های مذهبی بوداییان صورت می‌گرفت.

- **سازگاری با آداب و رسوم بومی:** دین بودایی در آموزه‌های خود، آداب و رسوم فرهنگی چینیان را نفی نمی‌کرد و با آنها سازگار می‌شد. این امر باعث می‌شد دین بودایی برای مردم چین غریبه و ناآشنا نباشد و به‌راحتی با فرهنگ و آداب و رسوم آنها هم‌خوانی داشته باشد.

به دین‌های خارجی رواداری بالایی نشان دادند؛ اما در زمان امپراتور اوو زونگ از سلسله تانگ، تقریباً همه آنها با فرمان «شکنجه پیروان بودایی در عصر خوبی چانگ» ((會昌毀佛) (Huìchāng huǐ fú) (۸۴۵-۸۴۱ م) منع شدند. هدف اولیه این فرمان پاکسازی چین از نفوذ دین‌های خارجی شامل تمامی دین‌ها و آئین‌های خارجی از قبیل نوعی از دین بودایی متأثر از فرهنگی ایرلنی، مسیحیت، مانویت و زرتشتی بود. سرکوب دین‌های خارجی در این عصر منجر به نابودی برخی از آنها در چین شد؛ برای مثال، این فرمان منجر به افول دین زرتشتی در چین شد (Dien, 2007, p. 426). تون چینی نشان می‌دهد دین‌های زرتشتی و مسیحیت به‌عنوان اشکال بدعت‌آمیز دین بودای ایرانی در نظر گرفته می‌شدند و پیروانشان تحت آزار و شکنجه قرار می‌گرفتند (Philip, 1998, p. 123). فعالیت زرتشتیان از این زمان به بعد در چین محدود و کم‌رنگ‌تر شد؛ با وجود این، اعتقادات و مناسک آیینی زرتشتی به‌طور کامل از بین نرفت و ظاهری از آیین‌های بودایی و تائو بر خود گرفت؛ هرچند نسخه ایرانی دین بودایی نیز مشمول فرمان ممنوعیت ادیان بیگانه بود. بر طبق پژوهش‌های اخیر، تعداد زرتشتیان در عصر تانگ اندک بود. براساس منابع چینی تا اواخر سده نهم هنوز چندین آتشکده زرتشتی در چین وجود داشته است (هاند، ۱۳۵۰، ص. ۳۲-۳۳) تا اینکه با ممنوعیت پرستش این دین در سال ۸۴۵م، از تعداد پیروان زرتشتی کاسته شد و به تدریج ادیان دیگر چون دین بودایی جایگزین آن شد (Lieu, 1985, p. 91).

همان‌طور که در متن اشاره شد دین زرتشتی در چین تقریباً منحصر به سغدیان و ایرانیان مقیم این سرزمین بود. نبود متون زرتشتی به زبان چینی، نشان‌دهنده عدم وجود فعالیت گسترده تبلیغی برای جذب چینی‌ها به این دین است. در مقایسه با فعالیت‌های تبلیغی بوداییان در چین، تلاش‌های زرتشتیان در این زمینه بسیار ناچیز بوده است. دلایل مختلفی برای تمایل‌نداشتن زرتشتیان به تبلیغ

دین به مردم چین ایفا کرد. درمقابل، دین زرتشتی به دلیل ناهمگونی با فرهنگ و جامعه چین، نتوانست در این سرزمین ریشه دواند. این ناهمگونی در موارد زیر مشهود بود:

- **تفاوت‌های اعتقادی:** آموزه‌های زرتشتی با فلسفه‌های حاکم بر چین، مانند دائوئیسم و کنفوسیوس‌سیسم، تفاوت‌های اساسی داشت. این امر باعث می‌شد دین زرتشتی برای مردم چین غریبه و ناآشنا باشد. برخی از اعتقادات زرتشتی نیز مانند ازدواج با محارم و شیوه دفن مردگان با رسوم چینی در تناقض بود و زرتشتیان به‌عنوان یک اقلیت دینی در چین، در انطباق کامل با فرهنگ و آداب و رسوم این سرزمین با مشکلاتی روبه‌رو بودند.

- **تمرکز بر تشریفات مذهبی:** دین زرتشتی برخلاف دین بودایی، بر مناسک و تشریفات مذهبی تأکید زیادی داشت.

- **حمایت حاکمیت:** در دوره‌های گوناگون تاریخ چین، پادشاهان سلسله‌های مختلف چینی و غیرچینی، به‌خصوص از سده دوم تا نهم میلادی، کم‌وبیش به دین بودایی ارج نهادند تا این دین در سرزمین چین نهادینه و قدرتمند شود؛ اما این لطف شامل حال پیروان دین زرتشتی نشد؛ در حالی که در سال ۸۴۵ میلادی، امپراتور وو زُنْگ که یک تائوباوور افراطی بود، دستور به سرکوب ادیان غیربومی، از جمله زرتشتی و حتی بودایی آمیخته به باورهای ایرانی داد، امپراتوران بعدی چین از دین بودایی حمایت بیشتری کردند.

- **محدودیت‌های تبلیغی:** به نظر می‌رسد زرتشتیان در چین فعالیت تبلیغی گسترده‌ای برای جذب چینی‌ها به دین خود انجام نمی‌دادند.

- **بیگانه‌هراسی امپراتوری تانگ:** پس از شورش آن لوشان در سال ۷۵۶ میلادی، امپراتوری تانگ نسبت به افراد و ادیان ایرانی که به‌عنوان تهدیدی برای قدرت مرکزی تلقی می‌شدند، بدبین شد.

با وجود نتایج این تحقیق، هنوز پرسش‌های بی‌شماری

- **آمیزش با ادیان چینی:** پیروان بودایی با ادیان محلی چین آمیختند و به‌تدریج برخی از ویژگی‌های محلی را به خود اختصاص دادند. این امر موجب موفقیت این دین در چین شد. همان‌طور که اشاره شد این کار در ابتدا با تلفیق گسترده با آیین تائو انجام شد و بعدها این سازگاری با ادیان دیگر به حدی بود که مردم و حاکمیت چین، دین بودایی را در کنار آیین‌های کنفوسیوس و تائو پذیرفتند.

- **تبلیغ و آموزش مؤثر:** مبلغان بودایی از مهارت‌های تبلیغ و آموزش مؤثری برخوردار بودند که به گسترش این دین در میان مردم کمک می‌کرد. بوداییان با حمایت حکومت و به‌صورت گسترده به ساخت معابد، صومعه‌ها و مراکز آموزش و پرورش راهبان پرداختند و متون دینی خود را به‌صورت سازمان‌یافته به زبان چینی ترجمه کردند. رویکرد این دین، به‌ویژه در مکتب باز و فراگیر مه‌ایانه، موجب شد تا این ارزش‌ها بر مردم چین اثرات روحی و اجتماعی مثبتی بنهد و آنها به این دین به‌عنوان راه حلی برای پایان‌دادن به خشونت‌های سیاسی و اجتماعی طولانی مدت در سرزمین خود بنگرند.

- **تمرکز بر معنویت فردی:** دین بودایی برخلاف دین زرتشتی، تمرکز کمتری بر مناسک و تشریفات مذهبی داشت و بیشتر بر معنویت فردی و تزکیه نفس تأکید می‌کرد. این امر باعث می‌شد دین بودایی برای طیف وسیع‌تری از مردم جذاب باشد.

- **عدم رویکرد سیاسی:** دین بودایی به‌طور سنتی از دخالت در امور سیاسی خودداری می‌کرد. این امر باعث می‌شد دین بودایی برای حکومت چین تهدیدی محسوب نشود و حمایت شود.

- **حمایت نخبگان:** دین بودایی از حمایت نخبگان فکری و فرهنگی چین برخوردار بود. این امر به ترویج و گسترش این دین در میان مردم کمک کرد.

- **ترجمه متون:** ترجمه متون بودایی به زبان چینی توسط مترجمان ایرانی و چینی، نقش مهمی در معرفی این

ایران نامه، (۷۲)، ۳۶۷-۳۷۴.

<https://B2n.ir/k16453>

تجدد، نهال (۱۳۶۹). نقش زبان‌های ایرانی در انتشار چند

دین در آسیای مرکزی و چین. *ایران نامه*، (۳۰)،

<https://B2n.ir/e35281>. ۲۶۱-۲۷۲.

جرالد، فیتس، و پاتریک، چارلز (۱۳۸۴). *تاریخ فرهنگ*

چین (اسماعیل دولتشاهی، مترجم). انتشارات علمی

و فرهنگی.

چای، چو، و چای، وینبرگ (۱۳۶۹). *تاریخ فلسفه چین*

(ع. پاشایی، مترجم). نشر گفتار.

رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۶). *ساسانیان و زردشتیان در*

چین و ژاپن. در سمینار بین‌المللی ایران و اسلام: آراء

و اندیشه‌ها (صص. ۱-۱۵). مرکز دائرةالمعارف بزرگ

اسلامی.

شایگان، داریوش (۱۳۵۷). *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*

(ج. ۱). انتشارات امیرکبیر.

شجاعی، علیرضا (۱۳۸۴). *سیر تحول تاریخ و اندیشه*

بودایی. ادیان، مذاهب و عرفان (هفت آسمان)،

<https://B2n.ir/r53101>. ۱۴۵-۱۸۲. (۲۵)۷

شومان، ولفگانگ هانس (۱۳۶۲). *دین بودایی: طرح آموزه‌ها*

و مکتب‌های بودایی (ع. پاشایی، مترجم). بی‌نا.

طاهری، سپیده (۱۳۹۹). *نقش سغدیان در گسترش آیین*

بودا در جنوب چین. دوفصلنامه پژوهش‌های ادیانی،

<https://B2n.ir/h45533>. ۲۱۱-۲۲۴. (۱۵)۸

قرایی، فیاض (۱۳۸۸). *ادیان خاور دور. دانشگاه فردوسی*.

کنتک، هری (۱۳۸۱). *مترجمان ایرانی متون بودایی در*

چین (عسکر بهرامی، مترجم). *ایران شناخت*، (۲۱) و

<https://B2n.ir/r58225>. ۲۵۶-۲۶۳. (۲۰)

گیرشمن، رومن (۱۳۹۷). *تاریخ ایران از آغاز تا اسلام*

(محمد معین، مترجم). انتشارات سپهر ادب.

لیشچاک، ولادیمیر (۱۳۷۷). *جاده ابریشم و راهبایی آیین*

بودا به چین (عسکر بهرامی، مترجم). *ایران شناخت*،

<https://B2n.ir/a44554>. ۲۵۰-۲۷۱. (۸)

درباره سرنوشت ادیان ایرانی در چین باستان بی‌پاسخ

مانده‌اند. برخی از موضوعاتی که می‌توان در تحقیقات

آینده بررسی کرد، عبارت‌اند از:

- بررسی مقایسه‌ای آموزه‌ها و مناسک دینی بودایی و

زرتشتی در زمینه سازگاری با فرهنگ و جامعه چین.

- تحلیل نقش نخبگان فکری و سیاسی در ترویج یا

عدم ترویج دین بودایی و زرتشتی در چین.

- بررسی نقش عوامل اقتصادی و اجتماعی در تداوم

یا افول این دو دین در چین.

- مقایسه روش‌های تبلیغ و آموزش دین بودایی و

زرتشتی در چین.

انجام تحقیقات در این زمینه‌ها می‌تواند به درک

روشن‌تر از علل تداوم دین بودایی و افول دین زرتشتی در

چین باستان و همچنین، به درک عمیق‌تر روابط فرهنگی و

دینی ایران و چین در دوران باستان کمک کند. این نوشتار،

گامی در جهت یافتن پاسخ‌های محدود به پرسش‌های

بنیادین بود.

منابع

الیاده، میرچا (۱۳۹۵). *تاریخ اندیشه‌های دینی (ج. ۲؛ مانی*

صالحی علامه، مترجم). انتشارات نیلوفر.

بهار، مهرداد (۱۳۹۰). *ادیان آسیایی*. نشر چشمه.

بوش، ریچارد (۱۳۹۴). *جهان مذهبی (عبدالرحیم گواهی،*

مترجم). دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

پاشازانوس، حمیدرضا (۱۳۹۹ الف). آن و آنشی در منابع

چینی و بودایی؛ مناسبات چین و ایران در دوره

اشکانی. *تاریخ روابط خارجی*، ۲۱ (۸۴)، ۳-۲۴.

https://www.hfrjournal.ir/article_134818.html

پاشازانوس، حمیدرضا (۱۳۹۹ ب). بررسی و تحلیل نقش

ایرانیان باستان در ترویج دین‌های آسیایی در چین.

الهیات تطبیقی، ۱۱ (۲۳)، ۷۵-۹۲.

<https://doi.org/10.22108/coth.2020.118634.1325>

تجدد، نهال (۱۳۷۹). *نخستین مترجمان آیین بودا در چین*.

هاکینز، برادلی (۱۳۸۰). دین بودا (محمدرضا بدیعی، مترجم). نشر امیرکبیر.

هاندا، کواچی (۱۳۵۰). مذاهب ایرانی در چین از خلال منابع چینی. بررسی‌های تاریخی، ۶(۳)، ۲۷-۴۰.

<https://B2n.ir/w62140>

یامانکا، فومیکو (۱۳۷۱). دین بودا و سنت نیچرن (احمد احمدی، مترجم). نشر مترجم.

مینگ، دو وی، استریک من، هایکل، و رینولدز، فرلنک (۱۳۷۹). آیین‌های کنفوسیوس، دائو و بودا (غلامرضا

شیخ زیدالدین، مترجم). نشر فیروزه.

وانگو، مدو بزاز (۱۳۹۶). دین بودا (علیرضا شجاعی، مترجم). دانشگاه ادیان و مذاهب.

وردی‌نژاد، فریدون، علمایی فر، ابوالفضل، و قاضی‌زاده، شهرام (۱۳۹۰). ازدهای شکلیا: چین دیروز، امروز و

فرد. انتشارات اطلاعات.

Reference

Bahar, M. (2011). *Asian Religions*. Cheshmeh Publications. [In Persian].

Bush, R. (2015). *The Religious World* (A. Gavahi, Trans.). Islamic Culture Publications. [In Persian].

Chai, C., & Chai, W. (1990). *A History of China's Philosophy* (A. Pashaie, Trans). Gotar Publications. [In Persian].

Dien, A. E. (2007). *Six dynasties civilization*. Yale University Press.

Du, Y. (2016). *Tongdian*. Zhonghua Shuju.

Eliade, M. (2017). *A History of Religious Ideas* (Vol. 2; M. Salehi Alameh, Trans.). Niloofer Publications. [In Persian].

Forte, A. (1995). *An Shigao and His Offspring: An Iranian Family in China*. Italian School of East Asian Studies.

Forte, A. (1999). Iranians in China: Buddhism, Zoroastrianism, and Bureaus of Commerce. *Cahiers d'Extrême-Asie*, 11, 277-290. <https://B2n.ir/z16218>

Gerald, F., & Patrick, C. (2005). *A History of Chinese Culture* (E. Dolatshahi, Trans.). Elmi-Farhangi Publications. [In Persian].

Gharai, F. (2009). *Far Eastern Religions*. Ferdowsi University. [In Persian].

Ghirshman, R. (2018). *History of Iran from the Beginning to the Advent Islam* (M. Moin, Trans.). Sepher Adab Publications. [In Persian].

Hawkins, B. (2001). *Buddhism* (M. R. Badee, Trans.). Amir Kabir Publications. [In Persian].

Handa, K. (1971). Iranian Religions in China Through Chinese Sources. *Journal of Historical Reviews*, 6(3), 27-40. <https://B2n.ir/w62140> [In Persian].

Harmatta, J. (1971a). *Sino-Iranica*. Acta

Antiqua Academiae Scientiarum Hungaricae.

Harmatta, J. (1971b). The Middle Persian-Chinese Bilingual Inscription from Hsian and the Chinese Sasanian Relations. *Atti del Convegno internazionale sul tema: La Persia nel Medioevo (Roma, 31 marzo-5 aprile 1970)*, 363-76. <https://B2n.ir/w50861>

Kentek, H. (2002). Iranian Translators of Buddhist Texts in China (A. Bahrami, Trans.). *Iran Shenakht Journal*, (20 & 21), 256-263. <https://B2n.ir/r58225> [In Persian].

Lischak, V. (1998). The Silk Road and the Introduction of Buddhism to China (A. Bahrami, Trans.). *Iran Shenakht Journal*, (8), 250-272. <https://B2n.ir/a44554> [In Persian].

Leslie, D. D. (1981). Persian Temples in T'ang China. *Monumenta Serica*, 35(1), 275-303. <https://doi.org/10.1080/02549948.1981.11731155>

Li Yanshou. (1974). *Beishi*. Zhonghua Shuju.

Lieu, S. N. C. (1985). *Manichaeism in the Later Roman Empire and Medieval China: a Historical Survey*. Manchester University Press.

Linghu Defen. (1971). *Zhoushu*, j. 50. Zhonghua shuju.

Ming, D. W., Strickmann, M. & Reynolds, F. (1999). *Confucianism, Daoism, and Buddhism* (G. R. Sheikh Zeynaldin, Trans.). Firoozeh Publications. [In Persian].

Pashazanos, H. R. (2021a). An and Anshi in Chinese and Buddhist sources; Relations between China and Iran in the Parthian period. *Foreign Relations History Quarterly*, 21(84), 3-24. https://www.hfrjournal.ir/article_134818.ht

- ml [In Persian].
- Pashazanos, H. R. (2021b). Investigating and Analyzing the Role of Ancient Iranians in Promoting Asian Religions in China. *Journal of Comparative Theology*, 11(23), 75-92. <https://doi.org/10.22108/coth.2020.118634.1325> [In Persian].
- Philip, T. V. (1998). *Christianity in China, In East of the Euphrates: Early Christianity in Asia*, Indian Society for Promoting Christian Knowledge and Christian Literature.
- Ponampon, P. K. (2014). *An Shigao in Chinese Tradition: Mission, Meditation and Miracles* [M.A Thesis, University of Otago]. <https://hdl.handle.net/10523/5456>
- Pulleyblank, E. G. (1991). Chinese Iranian Relations, in pre-Islamic times. In *Encyclopædia Iranica*, Online Edition. Available at <http://www.iranicaonline.org/articles/chinese-iranian-i>
- Pulleyblank, E. G. (1962). The consonantal system of Old Chinese. *Asia Major* 9, 58-144. <https://B2n.ir/m04372>
- Rezaee Baghbidi, H. (2007). Sassanids and Zoroastrians in China and Japan. In *International Seminar on Iran and Islam: Views and Thought* (pp. 1-15). The Great Islamic Encyclopedia Center. [In Persian].
- Stausberg, M. (2015). *Zoroastrianism*, By (M. Stausberg, Y.S.D. Vevaina & A. Tessmann, Eds.). Wiley Blackwell Press.
- Shayegan, D. (1978). *Religions and Philosophical Schools of India* (Vol. 1). Amir Kabir Publications. [In Persian].
- Shojaei, A. (2005). The Evolution of Buddhist History and Thoughts. *Religions, Sects, and Sufism (Haft Asman Journal)*, 7(25), 145-182. <https://B2n.ir/r53101> [In Persian].
- Schumann, W.H. (198۳). *Buddhist Religion: An Outline of Buddhist Teachings and Schools* (A. Pashaie, Trans). No publisher. [In Persian].
- Tajadod, N. (2000). The First Translators of Buddhism in China. *Irannameh Journal*, (72), 367-374. <https://B2n.ir/k16453> [In Persian].
- Tajadod, N. (1990). The Role of Iranian Languages in the Spread of Several Religions in Central Asia and China. *Irannameh Journal*, (30), 261-272. <https://B2n.ir/e35281> [In Persian].
- Taheri, S. (2021), The Role of Sogdians in the Spread of Buddhism in Southern China. *Journal of Religious Researches*, 8(15), 211-224. <https://B2n.ir/h45533> [In Persian].
- Thome, H. F. (1980). *The Chinese View of Life, the Philosophy of Comprehensive Harmon*. Linking Publishing Co.
- Tian, C. (2017). *Study on Chuang Tzu's Attitude to Words Death and its Practical Significance*. Pingxiang University.
- Verdi Nejad, F., Olamaie Far, A., & Ghazi Zadeh, S. (2011). *The Patient Dragon: China Yesterday, Today, and Tomorrow*. Etelaat Publications. [In Persian].
- Wangu, M.B. (2017). *The Buddhism* (A. Shojaei, Trans.). University of Religions and Denominations. [In Persian].
- Watt, J. C. Y. & et al. (2004). *China: Down of a Golden Age, 200-750 AD*. Metropolitan Museum of Art, Yale University Press.
- Wei, S. (1974). *Weishu*. Zhonghua Shuju.
- Wei, Z. (1973). *Suishu* (Vol. 83). Zhonghua shuj.
- Xiong, V.C. (2006). *Emperor Yang of the Sui Dynasty: His Life, Times and Legacy*. Suny Press.
- Yamanaka, F. (1992). *Buddhism and the Nichiren Shoshu Tradition* (A. Ahmadi, Trans.). Motarejem Publications. [In Persian].
- Zhang, X. (1977). *The Collection of the Historical Materials of Communications Between China and the West*. Zhonghua Book Co.
- Zurcher, E. (1991). A new look at the earliest Chinese Buddhist texts, In *Koichi Shinohara and Gregory Schopen, From Benares to Beijing*, Essays on Buddhism and Chinese religion in honor of Prof, Jan Yun-hua, (pp. 277-300). Moasic. <https://B2n.ir/y59398>
- Zurcher, E. (2013). *Buddhism in China* (A. Jonathan, Ed.). Brill.

